اصفهان امروز

روزنامه فرهنگی، اجتماعی با روش خبری - تحلیلی - اطلاع رسانی
بنیانگذار: عبدالمحمد اکبری | تاسیس: ۱۳۸۳
صاحب امتیاز: شرکت رسانه رویداد پارسی
مدیر مسئول و سردبیر: امیر اکبری
یکشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۵ / سال بیست و دوم / دوره جدید / شماره ۵۳۸۵ | 19April2026

نشانی: اصفهان، میدان آزادی، خیابان دانشگاه نرسیده به حکیم نظامی، کوچه شهید مصطفی روحانی (شماره ۱۹)، پلاک ۶، ساختمان رویداد پارسی
تلفن: ۳۶۲۹۳۷۵۰-۰۳۱ (ده خط) فاکس: ۳۶۲۹۳۳۹۲ - ۰۳۱
لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز توزیع: رویداد پارسی

امتیاز در رتبه‌بندی روزنامه‌های سراسر کشور
ضریب کیفی: ۸۴/۷ رتبه آگهی: ۱

آیین نامه اخلاق حرفه ای در لینک «درباره ما» «سایت اصفهان امروز منتشر شده است.
www.esfahanemrooz.ir

عضو تعاونی مطبوعات، انجمن مدیران رسانه

@esfahanemrooz
esfahanemrooz
esfahanemrooz
@esfahanemrouz

حفاظت از میراث فرهنگی اصفهان نیازمند بازنویسی استراتژی‌هاست

رئیس کمیته ملی ایکوموس در ایران گفت: جنگ اخیر نشان داده مدل‌های سنتی حفاظت از میراث فرهنگی اصفهان پاسخگوی شرایط تازه نیستند و اصفهان باید به‌سرعت به الگوهای به‌روز و هماهنگ مجهز شود.

به گزارش مهر، ماه گذشته و در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا به خاک ایران که در ادبیات رسانه‌ای با عنوان «جنگ رمضان» شناخته شد، موجی از تأثیرات ناخواسته و فراتر از انتظار بر حوزه میراث‌فرهنگی ایران ثبت شد. پیامدهای ناشی از این رویداد تنها محدود به ابعاد انسانی و اجتماعی نبود، بلکه شبکه‌ای از لرزش‌ها، فشارهای محیطی و تکانه‌های پیوسته، برخی از حساس‌ترین سازه‌های تاریخی کشور را تحت تأثیر قرار داد. این واقعه بار دیگر نشان داد که میراث فرهنگی به‌ویژه میراث دارای ارزش جهانی چقدر در برابر رویدادهای ناگهانی و فراتر از سناریوهای متعارف آسیب‌پذیر است و چگونه نیازمند سیستم‌های پایدارتر و آینده‌نگرانه‌تر برای حفاظت است. در میان این نقاط آسیب‌دیده، اصفهان بیش از دیگر شهرها در کانون توجه قرار گرفت؛ شهری که به‌واسطه چند پایگاه ثبت جهانی خود از جمله میدان نقش جهان و کاخ چهلستون بخشی از حافظه تمدنی جهان را در دل خود جای داده است. ارزیابی‌های اولیه متخصصان میراث نشان می‌دهد بخشی از آسیب‌های واردشده حتی اگر در ظاهر جزئی به نظر برسند، از منظر سازه‌ای و لایه‌های تاریخی حساس، می‌توانند پیامدهای درازمدتی ایجاد کنند. این وضعیت یک‌بار دیگر مفهوم «تاب‌آوری میراث» را به‌عنوان معیار اصلی ارزیابی پایداری سازه‌های تاریخی مطرح کرده و لزوم بازنگری در الگوهای حفاظت، مدیریت ریسک و نظام واکنش اضطراری را به سطحی راهبردی ارتقا داده است. در چنین بستری، پرداختن به رویکردهای نوین حفاظت، فهم سازوکارهای میراث زنده و تحلیل نقاط ضعف و قوت مدیریت کنونی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل، گفت‌وگوی پیش‌رو با مهدی حجت، رئیس کمیته ملی ایکوموس در ایران به مناسبت روز جهانی حفاظت از بناها و محوطه‌های تاریخی می‌کوشد تصویری روشن و علمی از وضعیت موجود ارائه دهد؛ تصویری که می‌تواند مسیر بازنگری آینده در حفاظت از اصفهان و دیگر مجموعه‌های تاریخی کشور را ترسیم کند.

شما در گفتگوهای پیشین اشاره کرده بودید که در زمان جنگ و پساجنگ نباید امید چندانی به نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو یا ایکوموس جهانی برای حفاظت از آثار تاریخی داشت. در شرایط امروز کشور، وظیفه ما در مواجهه با آسیب‌هایی که به بناهای تاریخی وارد شده چیست؟ چگونه باید از میراث ارزشمند، به‌ویژه بناهایی چون مسجد جامع عباسی یا چهل‌ستون که در استان اصفهان موقعیتی ویژه دارند، حفاظت کنیم؟

هر بنای تاریخی در این سرزمین، حکم خانه شخصی ما را دارد؛ با این تفاوت که ارزش آن‌ها به‌مراتب بیشتر است. خانه شخصی ما یاد و خاطره ما را در خود دارد، اما بناهای تاریخی حامل حافظه جمعی، هویت ملی و تجربه زیست طولانی یک ملت‌اند. بنابراین اگر خانه من آسیب ببیند، طبعاً می‌کوشم تعمیرش کنم؛ همین منطق درباره آثار تاریخی نیز صادق است، با این تفاوت که این آثار متعلق به همه مردم ایران و حتی تمام جهانیانی هستند که در ثبت جهانی ادعا و سهم دارند. وقتی چنین نگاهی داشته باشیم، در شرایط جنگ یا بحران، نخستین مسئولیت ما ثبت خسارات، مستندسازی دقیق، و سپس آغاز سریع روند مرمت اضطراری است. متأسفانه ما معمولاً بیش از اندازه وقت خود را صرف مکاتبه و اعتراض و طرح شکایت به نهادهایی می‌کنیم که اساساً نقشی مؤثر در پیشگیری یا جبران خسارات ندارند. تجربه نشان داده که اتکای بیش از حد به نهادهای بین‌المللی عملاً راه به جایی نمی‌برد؛ نه از سر بی‌میلی، بلکه چون ساختار و مأموریتشان چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. در نتیجه، ما باید خودمان کمر همت ببندیم. راهکار عملی این است که در هر استان، متناسب با نوع آسیبی که به هر اثر وارد شده، استادکاران برجسته همان حوزه را گرد هم بیاوریم. اگر سنگ‌کاری تخریب شده، بهترین استادان سنگ؛ اگر کاشی، بهترین کاشی‌کاران؛ اگر آینه‌کاری یا گچ‌بری آسیب دیده، خبرترین فعالان این رشته. ما خوشبختانه هنوز از استادان رده‌یک در کشور برخورداریم. لازم است طی یک فراخوان رسمی، این افراد در کنار یکدیگر قرار بگیرند و هسته‌های تخصصی ۴ تا ۵ نفره تشکیل دهند. این گروه‌ها باید برنامه اجرایی دقیق و فنی برای مرمت بخش آسیب‌دیده ارائه کنند. در کنار این امر، مشارکت داوطلبانه مردم اهمیت بسیار زیادی دارد. مردم همان‌طور که برای ساخت یک خانه شخصی یا یک بنای مذهبی کمک می‌کنند، اگر بدانند این آثار تا چه حد ارزشمندند، بدون تردید برای حفاظت از آن‌ها نیز کمک خواهند کرد. ما باید ارزش‌ها را توضیح دهیم، نه فقط نام بنا را تکرار کنیم. مشکل این است که سال‌ها میراث فرهنگی را صرفاً «توصیف» کرده‌ایم، بی‌آنکه ارزش‌های درونی‌اش را برای مردم باز کنیم. داستان بازسازی پساجنگ، مانند داستان معروف «بلدرچین و برزگر» است: هر بار که آسیبی می‌رسد، باید خودمان به تعمیر بپردازیم. وقتی مردم و استادکاران محلی در جریان مرمت قرار بگیرند، بهترین راه‌حل‌ها خودبه‌خود شکل می‌گیرد. این مسیری است که باید با قاطعیت دنبال کنیم.

اما یکی از چالش‌های همیشگی میراث فرهنگی، کمبود شدید بودجه بوده است؛ چه پیش از بحران اخیر و چه اکنون که گستره آسیب‌ها افزایش یافته. پروژه‌هایی مانند مرمت مسجد جامع عباسی یا مسجد شیخ لطف‌الله گاهی سال‌ها به دلیل همین محدودیت‌ها متوقف می‌ماند. با توجه به شرایط فعلی کشور، وزارت میراث فرهنگی بر اساس چه رویکردی می‌تواند روند بازسازی را سرعت دهد؟

مشکل بودجه، موضوع جدیدی نیست. ما سال‌هاست با این مسئله دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. در بحران‌ها نیز به‌طور طبیعی فشارهای مالی دولت چند برابر می‌شود و نمی‌توان انتظار داشت که بخش قابل‌توجهی از منابع کشور تنها به یک حوزه اختصاص یابد، هرچند این حوزه میراث فرهنگی باشد. بنابراین باید رامحل را نه در افزایش بودجه دولتی، بلکه در افزایش مشارکت اجتماعی جست‌وجو کنیم. اجازه دهید یک مثال بزنم: در دوران شیوع کرونا، چه افرادی بودند که هزاران بسته کمک مالی و غذایی آماده کردند؟ همین مردم. مردم همیشه به‌عنوان یک نیروی اجتماعی بزرگ در بزنگاه‌ها وارد عمل شده‌اند، اما ما میراث فرهنگی را کمتر به مردم سپرده‌ایم. شهروندان، به‌ویژه مردم اصفهان، علاقه عمیقی به آثارشان دارند؛ اگر ما این علاقه را به‌درستی هدایت کنیم، آن‌ها حتی با کمک‌های کوچک می‌توانند نقش بزرگی در مرمت ایفا کنند. دلیل اینکه مردم برای ساخت ضریح یا توسعه بقاع مذهبی مشارکت گسترده می‌کنند این نیست که آن پروژه‌ها امکانات عجیب‌وغریب دارند؛ بلکه چون ارزش آن بناها را می‌فهمند. ما در میراث فرهنگی، متأسفانه ارزش‌ها را بیان نکرده‌ایم. فقط گفته‌ایم «این بنا تاریخی است و باید حفظ شود». اما چرا باید حفظ شود؟ چه چیزی در آن هست که باید برایمان مهم باشد؟ این حلقه مفقوده است. وقتی مردم بدانند یک بنا، همچون خانه شخصی خودشان، بخشی از هویتشان را در خود دارد و تنها متعلق به گذشته نیست، بلکه سرمایه آینده است، همان‌طور که برای درمان فرزندشان هزینه می‌کنند، برای حفظ آن بنا هم هزینه خواهند کرد. ما باید این پیوند را احیا کنیم. به بیان دیگر، راه‌حل مرمت گسترده آثار تاریخی، بیش از آنکه صرفاً یک «طرح دولتی» باشد، باید به یک جنبش اجتماعی تبدیل شود. وزارت میراث فرهنگی باید بستر این مشارکت را فراهم کند، اما بار اصلی بر دوش مردم و استادکاران خواهد بود.

شما اشاره کردید که اتکا به نهادهای بین‌المللی، نتیجه چندانی نداشته است. در حالی که برخی تصور می‌کنند ثبت جهانی آثار، نوعی چتر حمایتی ایجاد می‌کند. نقش واقعی این نهادها چیست و پس از وقوع بحران، چه انتظاری می‌توان از آن‌ها داشت؟

ثبت جهانی یک بنا و محوطه، به معنای انتقال مسئولیت از کشور به نهادهای بین‌المللی نیست. ثبت جهانی، بیشتر معنایی اخلاقی و فرهنگی دارد تا اجرایی و حفاظتی. این ثبت می‌گوید که این اثر، بخشی از میراث مشترک بشریت است، اما کار حفاظت بر دوش کشور صاحب بنا است. نهادهایی مثل ایکوموس یا یونسکو عمدتاً نقش نظارتی، مشورتی و گزارش‌دهی دارند. آن‌ها می‌توانند بگویند «چه باید کرد» اما نمی‌توانند به‌جای ما وارد عمل شوند. پس از وقوع یک بحران، تنها کاری که به‌طور معمول انجام می‌شود، این است که گزارش خسارت ارسال شود و جهان مطلع شود چه اتفاقی افتاده؛ همین. نه نیروی اجرایی دارند، نه بودجه‌ای مستقل برای بازسازی. به‌علاوه، ساختار تصمیم‌گیری این نهادها متکی بر حضور نمایندگان کشورهای مختلف است. این کشورها هرکدام اولویت‌ها، منافع و محدودیت‌های خاص خود را دارند. بنابراین انتظار اینکه این نهادها بتوانند در سطح عملی وارد جریان مرمت شوند، انتظاری غیرواقعی است. در نتیجه، رویکرد ما باید روشن باشد: انتظار کمک خارجی نداشته باشیم، اما ارتباط حرفه‌ای خود را حفظ کنیم. ارسال گزارش از خسارت‌ها مهم است تا سطح فاجعه برای جامعه جهانی قابل مشاهده باشد، اما نباید گمان کنیم که این امر لزوماً به ارسال بودجه یا عملیات میدانی منجر می‌شود.

شما بر اهمیت نقش استادکاران تأکید کردید. آیا ساختار فعلی میراث فرهنگی ظرفیت لازم برای هم‌افزایی میان نیروهای متخصص، استادان سنتی و جامعه محلی را دارد؟ چگونه می‌توان این ساختار را تقویت کرد؟

ظرفیت وجود دارد، اما فعال‌سازی آن نیازمند بازنگری در شیوه مدیریت پروژه‌هاست. مرمت بناهای تاریخی بیش از آنکه یک فعالیت اداری باشد، یک فرآیند دانشی و مهارتی است که بدون مشارکت استادکاران اصیل امکان‌پذیر نیست. در طی دهه‌ها، بسیاری از استادان برجسته ما یا کمتر دعوت شده‌اند یا در حاشیه قرار گرفته‌اند. این روند باید کاملاً معکوس شود. من معتقدم در هر استان باید «کارگروه استادکاران میراث» تشکیل شود؛ کارگروهی که منتخب خودِ استادان باشد، نه منتخبی از سوی دستگاه اداری. این کارگروه باید اختیار داشته باشد برای هر اثر، گروه عملیاتی مناسب انتخاب کند. آن‌ها بهتر از هر کارمند اداری می‌دانند یک سنگ‌کار سنتی درجه‌یک کیست یا یک کاشی‌کار اصیل چه کسی است. در کنار این موضوع، ارتباط استادکاران با بدنه دانشگاهی نیز بسیار مهم است. مرمت علمی و مهندسی امروز باید مکمل تجربه سنتی باشد. ترکیب این دو، یعنی تجربه کارگاهی و دانش فنی، همان چیزی است که یک پروژه مرمتی را به نتیجه مطلوب می‌رساند.

اگر بخواهیم جمع‌بندی کنیم: برای عبور از وضعیت کنونی و آغاز مرمت‌های اضطراری و اساسی، چه باید کرد؟ یک نقشه‌راه حداقلی و عملیاتی را چگونه ترسیم می‌کنید؟

به نظر من می‌توان این مسیر را در چند مرحله خلاصه کرد نخست، ثبت دقیق خسارت‌ها؛ یعنی مستندسازی با عکس، فیلم، نقشه و گزارش‌های فنی. این مرحله اصل و اساس کار است، چون در صورت ثبت ناقص، مرمت نیز ناقص خواهد شد. دوم، فراخوان استادکاران و تشکیل تیم‌های تخصصی متناسب با هر نوع آسیب. این گروه‌ها باید مسئول تدوین طرح‌های اجرایی باشند. سوم، ایجاد سازوکار مشارکت مردمی . مردم باید بدانند که هر کمک کوچک آن‌ها بخشی از بازسازی هویت ملی است. این کار نیازمند اقناع، اطلاع‌رسانی درست و بیان ارزش‌هاست. چهارم، حمایت دولت در حد فراهم کردن زمینه‌ها ؛ مثل تسهیل صدور مجوزها، تأمین بخشی از مصالح یا ایجاد ستادهای محلی مدیریت بحران میراث. پنجم، ارائه گزارش‌های رسمی به نهادهای بین‌المللی؛ نه برای درخواست عملیات، بلکه برای ثبت جهانی وقایع و مستندسازی تاریخی آسیب‌ها. در نهایت، مهم‌ترین اصل این است که بدانیم ما و مردم این سرزمین، صاحبان واقعی میراثیم. اگر این باور نهادینه شود، نه جنگ و نه بحران، نمی‌تواند ستون این خانه‌های مشترک را به‌طور کامل فروبریزید.

چهل روز جادویی در سرزمین آفتاب

اگر گابریل گارسیا مارکز از مقاومت ایران می‌نوشت

زهرا آقایی

اگر امروز گابریل گارسیا مارکز، احیاگر رئالیسم جادویی، زنده بود و می‌خواست حماسه چهل روزه مردم ایران را به رشته تحریر درآورد، احتمالاً با رمانی روبه‌رو بودیم که در آن مرز میان شهود و واقعیت فرو می‌ریخت. برای او که عمری را صرف ترسیم مرز باریک میان مرگ و زندگی، و انزوا و شورش کرد، مقاومت ۴۰ روزه مردم ایران در برابر تجاوزات اخیر، نه یک گزارش نظامی، بلکه فصلی نانوشته از کتاب بشریت بود. در روایت مارکزی، جنگ فقط صدای انفجار نیست. او می‌نوشت که وقتی اولین موشک به خاک ایران اصابت کرد، تمام ساعت‌های شهر در یک لحظه متوقف شدند و تقویم‌ها به مدت چهل روز روی یک تاریخ ثابت ماندند. او از بارانی می‌نوشت که به جای آب، از آسمان شهرهای جنگ‌زده، پرهای سفید مرغابی می‌بارید تا رد خون ریخته شده بر سنگفرش‌ها را بپوشاند. در این نوشتار، تلاش می‌کنیم تا با استناد به مؤلفه‌های آثار مارکز، این برهه تاریخی را بازخوانی کنیم.

تقدیرگرایی و گسست در دایره زمان، با نگاهی به صد سال تنهایی

مارکز در صد سال تنهایی نشان داد که زمان در جوامع تحت ستم، اغلب به شکل دایره‌ای تکرار می‌شود. او اگر از مقاومت ایران می‌نوشت، این ۴۰ روز را یک زمان متراکم می‌دید که در آن هزار سال تاریخ ایران فشرده شده است. در نگاه او، جوانانی که چهل شبانه‌روز در تجمعات خیابانی، با دست‌های خالی اما اراده‌ای پولادین، پیاده‌روها را به سنگر بدل کردند، تکرار ژنتیکی همان نسلی هستند که قرن‌ها پیش در برابر یورش‌های باستانی ایستادند. مارکز می‌نوشت: در ایران، زمان به جلو نمی‌رود، بلکه در هر تپش خیابان، تاریخ دوباره متولد می‌شود. حضور مستمر مردم در خیابان‌ها از منظر او، نه یک کنش سیاسی صرف، بلکه یک آیین جادویی برای بیدار نگه داشتن حافظه زمین بود.

استعاره معصومیت؛ فرشتگان میناب در باران باروت

تکان‌دهنده‌ترین بخش رمان فرضی مارکز، بی‌شک به حادثه شهادت دانش‌آموزان دختر در میناب اختصاص می‌یافت. مارکز که در آثارش مرگ را با نمادهای طبیعت پیوند می‌زد، این سوگ را چنین روایت می‌کرد: در لحظه عروج آن دختران، نخل‌های جنوب به جای خرما، مروارید‌های سرخ به بار آوردند. او با الهام از سبک رئالیسم جادویی، می‌نوشت که کیف‌های مدرسه آن‌ها لبریز از پروانه‌هایی شد که تا چهل روز بر فراز تنگه‌ی هرمز پرواز می‌کردند تا بوی نجابت و مظلومیت را به مشام جهانیان برسانند. این دختران، نماد همان زیبایی معصومی بودند که در برابر زشتی ماشین جنگ قرار می‌گرفت؛ همان تضادی که مارکز در تمام عمرش بر سر آن گریست و نوشت.

هندسه اراده؛ از قفل هرمز تا موشک‌های جادویی

بستن تنگه‌ی هرمز در منطق مارکزی، نه یک مانور استراتژیک، بلکه یک فرمان متافیزیکی تصویر می‌شد. او می‌نوشت که آب‌های خلیج فارس، به فرمان بغض فروخورده یک ملت، ناگهان سخت شدند تا راه بر ستمگران ببندند. در کنار این، او موشک‌های نقطه‌زن ایران را با بیانی شاعرانه، نامه‌های سرنوشت می‌نامید. همان‌گونه که در عشق در روزگار وبا، نامه‌ها با دقتی اعجاب‌آور به مقصد می‌رسیدند، او این سلاح‌ها را ابزاری می‌دید که چشم‌های انسانی» دارند؛ ابزاری که نه برای ویرانی، بلکه برای نقطه‌زنی بی‌عدالتی ساخته شده‌اند تا صلح را از میانه آتش بازپس بگیرند.

پایداری در انزوا

شرافت مردم ایران در این ۴۰ روز، یادآور سرهنگ مارکز است؛ پیرمردی که گرسنگی می‌کشید اما خروس جنگی‌اش، نماد غرور، را نمی‌فروخت. مارکز پایداری مردم در زیر فشارهای اقتصادی و محاصره را چنین توصیف می‌کرد: مردمی که نان خشک را با نمک عزت می‌خورند، اما اجازه نمی‌دهند سایه چکمه غریبه بر سفره‌شان بیفتد. او در نوشتار خود به سکوت جهان طعنه می‌زد و نشان می‌داد که چگونه یک ملت، در حالی که تمام دنیا به تماشای مرگش نشسته بود، با ریاضتی جادویی به زندگی بازگشت.

فرجام: پیروزی عشق بر وبا

مارکز رمانش را با تصویری از طلوع روز چهل و یکم به پایان می‌برد. او می‌نوشت که مقاومت، نه یک فعل نظامی، بلکه یک ابتلای عاشقانه به خاک است. از منظر او، ایران در این ۴۰ روز ثابت کرد که رئالیسم جادویی یک سبک ادبی نیست، بلکه شیوه زیستن ملتی است که یاد گرفته است چگونه از میان خاکستر جنگ، ققنوس امید را پرواز دهد. مقاومت ایران، از منظر نقد ادبی مارکزی، پیروزی انسان بااراده بر تکنولوژی بی‌روح است. اگر مارکز این حماسه را می‌نوشت، تیتر آن را چنین برمی‌گزید: چهل روز پایداری در قلمرو خورشید؛ جایی که خون دانش‌آموزان میناب، بهار را به تقویم‌های سوخته بازگرداند. این متن، شهادتی است بر این باور که حقیقت ایران، از هر جادویی، شگفت‌انگیزتر و از هر فداکاری‌ای، ماندگارتر است.

روایت‌های مردمی، کوتاه و خواندنی از جنگ رمضان

زیر سایه جنگ

راضیه چنگیزنائین

از ۹ اسفند که صداهای انفجار، خبری شوم از شروع یک جنگ تحمیلی دیگر را می‌داد، جریان زندگی مردم ایران کاملاً تغییر کرد و روایت‌های جنگی جای خودشان را به روزمرگی‌ها دادند. در روزهای جنگ رمضان اتفاقات زیادی برای مردمان شهر با زندگی عادی رخ‌داده است که هرکدام بخشی از جنایت‌هایی است که دشمنان بر سر ما ویران کرده‌اند. روایت‌هایی که در ادامه می‌خوانید واقعی است؛ اما به دلیل احترام به حریم خصوصی افراد، اسامی به‌صورت... نوشته شده و تغییراتی کوچک بر روی آنها اعمال شده است. سعی کردیم روایت‌هایی را انتخاب کنیم که برای همه مردم ایران ملموس باشد، مکان وقوع این روایت‌ها در یک شهر نیست و تاکنون روایت‌هایی از سراسر ایران به دستمان رسیده است.

روایت اول - لکنت

خانم ... مادر دو فرزند است مادری خانه‌دار که در اداره و فروشندگی سوپرمارکت خانوادگی‌شان نیز مشارکت دارد او روزی که یکی از پایگاه‌های نظامی نزدیک شهرشان مورد حمله قرار می‌گیرد در مغازه بوده. خودش می‌گوید پس از صدای انفجار موج به حدی قوی بود که انگار قفسه‌های مغازه به طرز وحشتناکی تکان می‌خوردند و جابه‌جا می‌شدند، تمام شیشه‌ها از شدت انفجار فروریخته است، خانم فروشنده آن لحظه فقط توانسته پناه بگیرد و از شدت ترس در آن لحظه مخوف، قدرت تکلمش را ازدست‌داده است وبا گذشت چند روز از آن واقعه هنوز نمی‌تواند بدون لکنت صحبت کند. خودش می‌گوید منی که بلبل‌زبان بودم زبان در دهانم نمی‌چرخد و تکلم برایم سخت شده. حالا دیگر کمتر به سوپرمارکت می‌آید و بیشتر در خانه است وحشت آن روز گریبانش را رها نمی‌کند.

انجام ۸۶ عملیات توسط آتش‌نشانان اصفهان در جنگ تحمیلی سوم

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان از اجرای ۸۶ عملیات در جنگ تحمیلی سوم خبر داد. آتش‌پادامید باقری در حاشیه جلسه کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای اسلامی شهر اصفهان اظهار کرد: ما در طول جنگ رمضان ۸۶ عملیات انجام دادیم؛ تمام تدارکات حرفه‌ای حتی تأمین دارو و ارائه خدمات خاص و ویژه از سوی آتش‌نشانی پیش‌بینی شده بود. او افزود: تمام نیروهای آتش‌نشانی در خط مقدم نبرد حضور داشتند و برای نیروهای مدیریتی و معاونت‌ها تا شش لایه جانشین تعیین شده بود. مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان با بیان اینکه در این مدت واحد سلامت روان در سازمان فعال شد، گفت: ۲۹ نفر از نیروهای ما دچار آسیب شدند، اما تمامی موارد ایمنی رعایت شد، همچنین کمیته ارزیابی را در سازمان فعال کردیم. باقری خاطرنشان کرد: از سال ۱۴۰۴، در عملیات‌های آتش‌نشانی، ۸۴۵۹ نفر نجات پیدا کردند؛ ما دو شاخص مهم شامل کاهش حریق و کاهش حوادث را دنبال و در هر دو مورد به رشد چشمگیری دست پیدا کردیم. او ادامه داد: در سال جاری زمان رسیدن به محل حادثه ۲۰ ثانیه کاهش پیدا کرد که دستاوردی مؤثر محسوب می‌شود، همچنین کاهش ۵ درصدی در میزان حریق ثبت شد. مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان گفت: در صورت وقوع جنگ ترکیبی جدید توسط دشمن تمام سناریوها پیش‌بینی شده و آمادگی لازم برای ارائه بهترین و مؤثرترین واکنش وجود دارد، همچنین طرحی از پیش مطرح شده است که بر اساس آن داوطلبان آتش‌نشان جذب و آموزش داده می‌شوند تا در صورت نیاز از ظرفیت آن‌ها نیز استفاده شود؛ این طرح داوطلبان محلی از سال گذشته آغاز شده و همچنان در حال پیگیری است.

۱۵ پارک بزرگ در اصفهان آماده تقدیم به مردم است

مدیرعامل سازمان سیما و منظر و فضای سبز شهرداری اصفهان گفت: هم‌اکنون ۱۵ پارک بزرگ در سطح شهر در دست احداث است که مراحل احداث شماری از آن‌ها به پایان رسیده، تعدادی در مرحله پیشرفت ۹۰ درصدی یا در مرحله افتتاح است که تا چند روز آینده شاهد افتتاحیه‌ها در این بخش خواهیم بود.

مجتبی حق‌شناس در پویش ملی درختکاری «سرو ایران» گرامیداشت رهبر شهید انقلاب اسلامی و شهدای رمضان اظهار کرد: برنامه کاشت ۳۰۰ هزار نهال را داشتیم که ۵۰ هزار نهال از این شمار را اسفند سال گذشته کاشت کردیم که ۲۴ هزار از این تعداد، درخت سرو است. او افزود: هم‌اکنون ۱۵ پارک بزرگ در سطح شهر در دست احداث بوده که شماری از آن‌ها به پایان رسیده است و تعدادی در مرحله پیشرفت ۹۰ درصدی یا در مرحله افتتاح قرار دارد. مدیرعامل سازمان سیما و منظر و فضای سبز شهرداری اصفهان ادامه داد: از جمله این پارک‌ها، پارک شاداب در منطقه یک، کمپ تندرستی در منطقه ۴، بیشه خزایی و پارک مشاهیر در منطقه ۵، تکمیل فاز سوم دریاچه فدک در منطقه ۷، پارک شمس‌الشموس و پردیس محله‌محور در منطقه ۸ و پردیس محله‌محور انتظار در منطقه ۱۲ و مرحله نهایی پارک مهدی موعود (عج) در منطقه ۱۴ است. حق‌شناس با اشاره به اینکه همزمان با جشن درختکاری نهم اسفند سال گذشته، جنگ تحمیلی رمضان رخ داد، گفت: این آیین در قالب پویش در مناطق مختلف شهر همچون پارک شهید رجایی، گلستان شهدا و پارک شهدای معراج که این منطقه مورد حمله دشمنان قرار گرفته بود، برگزار شد و امروز نیز در منطقه یک هستیم. او یادآور شد: امروز ۲۵۰ درخت سرو که نماد مقاومت، استقامت و شجاعت شهدا است، کاشته می‌شود و تا پایان اردیبهشت کاشت درخت در شهر ادامه دارد.

ظرفیت‌های گردشگری غرب اصفهان مغفول مانده است

معاون گردشگری اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان گفت: غرب اصفهان با وجود تنوع قومی، طبیعی و تولیدی، ظرفیت‌های کم‌نظیری برای توسعه گردشگری دارد که مغفول مانده است.

داوود آبیان با اشاره به سفر اخیر خود به شهرستان‌های فریدن، بویین میاندشت، داران، خوانسار، گلپایگان و فریدون‌شهر اظهار داشت: در این مناطق شاهد رنگین‌کمانی از اقوام هستیم که سال‌ها در کنار هم به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند و این همزیستی می‌تواند زمینه‌ساز رویدادهای گردشگری باشد. او با اشاره به اینکه بخش زیادی از ظرفیت‌های کشاورزی و دامداری این شهرستان‌ها به صورت خام‌فروشی از منطقه خارج می‌شود و ارزش افزوده‌ای برای مردم محلی ایجاد نمی‌کند، افزود: پیشنهاد ما برگزاری رویدادهای تخصصی، به‌ویژه در حوزه گردشگری خوراک و صنایع دستی بود تا ضمن جذب گردشگر، فروش محصولات محلی نیز رونق بگیرد. معاون اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گفت: ایجاد رویدادهای محلی این چنینی می‌تواند به توزیع عادلانه ثروت، افزایش نشاط اجتماعی و رفع بخشی از محرومیت‌ها کمک کند. آبیان به برخی ظرفیت‌های شاخص غرب اصفهان نیز اشاره و بیان کرد: لاله‌های واژگون و زیرساخت‌های مناسب خوانسار، توان کشاورزی و دامپروری گلپایگان و ظرفیت گردشگری ورزشی در فریدون‌شهر با وجود پیست اسکی و طبیعت کوهستانی، همگی قابلیت تبدیل شدن به مقاصد گردشگری تخصصی را دارند که برنامه‌ریزی برای فعال‌سازی این ظرفیت‌های مغفول مانده آغاز شده است. او تأکید کرد: در کنار جایگاه ممتاز شهر اصفهان به‌عنوان نگین گردشگری کشور و آسیا، قصد داریم ظرفیت‌های مغفول در ۲۸ شهرستان، ۱۱۴ شهر و نزدیک به هزار روستای استان را نیز فعال کنیم. معاون گردشگری اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ابراز امیدواری کرد که با نگاه حمایتی استاندار اصفهان، روند توسعه گردشگری در این مناطق شتاب بگیرد.

بسته تفریحی شهر برای گردشگران و شهروندان اصفهانی

مدیرعامل شرکت توسعه مجتمع‌های سیاحتی، فرهنگی و ورزشی سپاهان شهرداری اصفهان از ارائه آمادگی برای ارائه خدمات تفریحی و گردشگری ابرسازه‌های تفریحی اصفهان به شهروندان خبر داد.

سهیل پورکبیریان اظهار کرد: با توجه به نقش مؤثر سرگرمی و تفریح در آرامش خاطر همشهریان و تأثیر افزایش فعالیت‌های تفریحی و حضور در فضاهای شاد، شرکت توسعه مجتمع‌های سیاحتی سپاهان با تداوم فعالیت مجموعه‌های خود، ارائه خدمات تفریحی و گردشگری به شهروندان را در دستور کار خود قرار داده است. او افزود: گردشگران و شهروندان اصفهانی می‌توانند با مراجعه به اماکن تفریحی تله‌کابین صفه، بولینگ صفه، کوه نور صفه و تله‌سیژ ناژوان اوقات خوشی را برای خود و خانواده‌هایشان به ارمغان آورند. مدیرعامل شرکت توسعه مجتمع‌های سیاحتی، فرهنگی و ورزشی سپاهان شهرداری اصفهان بیان کرد: همچنین این اماکن با دارا بودن سایر خدمات تفریحی از جمله استقرار غرفه‌ها، کافه و رستوران و مجموعه‌های غذایی می‌تواند بسته ویژه‌ای از خدمات گردشگری را به شهروندان و گردشگران ارائه کند.